



حزب جمهوری‌بخواه در انتخابات ۲۰۲۴ با چه آرایشی ورود خواهد کرد؟

ترامپ‌پسِم بدون ترامپ



فرهیختگان بیش از یک سال تا انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا باقی مانده اما رقابت‌ها برای این انتخابات از مدتی پیش آغاز شده است. اگر چراغ عمر جو بایدن تا نوامبر ۲۰۲۴ روشن بماند، او کاندیدای پل‌نازع دموکرات‌ها خواهد بود. بایدن چند هفته پیش رسماً اعلام کرد که کاندیدای انتخابات سال آینده خواهد بود. البته این در شرایطی است که بایدن کار دست خودش ندهد. او چند روز پیش در جشن فارغ‌التحصیلان نیروی هوایی، تعادلش را از دست داد و زمین خورد تا یکبار دیگر موضوع سلامت ذهنی و فیزیکی رئیس‌جمهور آمریکا به بحث داغ رسانه‌ای تبدیل شود. بایدن پیش از این حداقل چهار بار از روی پله‌های هواپیمای ریاست‌جمهوری موسوم به ایرفورس وان افتاده و یک بار نیز با دوچرخه به زمین خورده است. تکرار زمین خوردن‌ها و حواس‌پرتهی پیرترین رئیس‌جمهور آمریکا دموکرات‌ها را نسبت به انتخابات سال آینده نگران کرده است. در آن سوی میدان در حزب جمهوریخواه، هیچ چهره‌ای به اندازه دونالد ترامپ شانس و فرصت رقابت با جو بایدن را ندارد. او با وجود درگیری در چندین پرونده، هنوز شانس اول حزب جمهوریخواه برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ است. اما در درون حزب جمهوریخواه و حتی بیرون از آن رزمه‌هایی برای عبور از ترامپ به گوش می‌رسد. نامزدهای مورد حمایت ترامپ در انتخابات میان‌دوره‌ای چندان مقبول واقع نشدند. با توجه به مشکلات حقوقی او که در حال افزایش است، حزب جمهوریخواه ممکن است تمایل به انتخاب نامزد دیگری داشته باشد. این موضوع به مرور داغ‌تر از این نیز خواهد شد؛ چرا که حتی هنری کیسینجر، مشاور اسبق امنیت ملی ایالات متحده در گفت‌وگو با اکونومیست ابراز امیدواری کرده که «جمهوریخواهان بتوانند نامزد مناسب‌تری پیدا کنند.»

جمهوریخواهان: تلاش برای حفظ تنه ترامپ‌پسِم و تعویض سر آن

بخشی از مردم آمریکا که خود را در حاشیه مسائل کشور می‌دیدند در انتخابات سال ۲۰۱۶ جذب شعارها و ایده‌های ترامپ شدند. قسمتی از جذب‌شدگان به ترامپ، سفیدپوستانی در سطوح پایین دستمزدی بودند که به خاطر ورود مهاجران، شاهد کاهش سطح دستمزدهای خود بوده و همزمان فرهنگ خود را نیز در خطر می‌دیدند. به‌زعم این دسته، تازه‌واردان غیرسفیدپوست، از سرزمین آمریکا به زیان صاحبان اصلی‌اش بهره می‌برند و حتی احتمال داشت در آینده به اکثریت تبدیل شوند.

این گروه دموکرات‌های سفیدپوست که با مدافع ورود مهاجران بودند در وهله اول دشمن اقتصادی و در وهله دوم دشمن فرهنگی خود می‌دانستند. به همین دلیل آنها با وجود بهره‌مندی از طرح‌های

بیمه‌ای و حمایت‌های اجتماعی دموکرات‌ها، به این حزب اقبالی نداشتند زیرا این طرح‌ها بیشتر می‌توانست شامل همان مهاجران شود. افرادی مانند برنی سندرز و الیزابت وارن در حزب دموکرات با دیدگاه‌های چپگرایانه، می‌توانستند با حل مشکل اقتصادی سفیدپوستان قشر پایین به‌صورت فوری، اندکی از خشم آنها کاسته و آرایشان را جلب کنند اما سران حزب دموکرات با تقلب در انتخابات درون حزبی، هیلاری کلینتون را به‌عنوان نامزد نهایی معرفی کردند. دونا برازیل، یکی از روسای موقت کمیته ملی دموکراتیک آمریکا در جریان انتخابات ۲۰۱۶ بعدها افشاشد که سران این کمیته به زیان برنی سندرز و به نفع کلینتون دست به تقلب زده‌اند.

در نبود رقیب دموکرات قابل اعتنایی برای جذب آرای سفیدپوستان قشر پایین، آنها که باید به‌طور معمول به سمت دیدگاه‌های چپگرایانه جذب شوند، به دلیل ملی‌گرا شدن و خشم از مهاجران و دموکرات‌ها، جلب سخنان ترامپ شدند.

با این حال همراهی آنها با ترامپ تنها به انتخابات محدود نشد بلکه به نقطه اوجی در ششم ژانویه ۲۰۲۱ رسید که طی آن طرفداران

رئیس‌جمهور وقت آمریکا که جلسه کنگره برای تأیید نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری حمله کردند. این اقدام نقطه عطفی در جریان ترامپ‌پسِم بود.

برخلاف دیگر روسای جمهور آمریکا که پس از دوره ریاست‌جمهوری موضوعیت سیاسی خود را از دست دادند، حتی جرج بوش پدر که همانند ترامپ رئیس‌جمهوری تک‌دوره‌ای بود، رئیس‌جمهور سابق آمریکا همچنان موضوعیت سیاسی خود را حفظ کرده و برای انتخابات ۲۰۲۴ نامزد شده است. بسیاری حزب جمهوریخواه به دست کم بخش بزرگی از آن را به دلیل اثرپذیری طیفی یک فرقه می‌دانند. تعدادی از جمهوریخواهان ترامپ را قبول دارند، تعدادی دیگر به دلیل چشم داشتن به آرای این جمهوریخواهان از آنها طرفداری می‌کنند و عده‌ای نیز قصد ندارند با خشم حامیان ترامپ مواجه شوند. از این رو طیف عظیمی از جمهوریخواهان خواسته‌یا ناخواسته تحت تأثیر او هستند.

جمهوریخواهان نگران از این مساله‌ا‌ما به دنبال راه‌حلی کم‌آسیب‌تر برای حل بحران ترامپ و نه ترامپ‌پسِم هستند. آنها نمی‌خواهند

مسابقه تسلیحاتی نوپادر میان چین، هندو پاکستان

دوره بر خورد هسته‌ای در جنوب آسیا

خاک پاک کستان به تعداد زیادی سلاح هسته‌ای به‌اصطلاح تاکتیکی نیاز دارد؛ سلاح‌هایی که اسلام‌آباد در حال حاضر فاقد آن است.

یک صلح شکننده

اگرچه تلیس معتقد است که تحریکات هسته‌ای یکن و اسلام‌آباد به‌طور خود کار حاکی از بی‌ثباتی فزاینده در منطقه نیستند، اما شواهد ارائه شده از سوی او حاکی از چیز دیگری است. او معتقد است زرادخانه‌وه به‌رشد یکن لزوما امنیت هند را در معرض خطر بیشتری قرار نمی‌دهد اما مجموعه‌ای از اقدامات بسیار محتمل را توصیف می‌کند که انجام آنها از سوی چین، به‌همراه زرادخانه هسته‌ای این کشور که در قواره یک ابرقدرت است، می‌تواند سبب شود تا دهلی نو اعتماد به بازدارندگی هسته‌ای خود را از دست بدهد.

یکن به‌دنبال نیل به توانایی پرتاب‌های بسیار سریع تلافی‌جویانه هسته‌ای است. این امر مستلزم آن است که چین بخشی از زرادخانه هسته‌ای خود را در حالت آمادباش کامل نگه دارد؛ این وضعیت ممکن بود زمانی که یکن تنها چند صد صلاح در اختیار داشت، خطری برای هند به‌وجود نیآورد، اما اگر یکن درصد قابل توجهی از زرادخانه توسعه‌یافته ۱۰۰۰ کلاهکی خود را در حالت آمادباش قرار دهد، زمین‌بازی به‌طور قابل توجهی تغییر خواهد کرد. هند در این حالت با همسایه‌ای روبه‌رو خواهد شد که می‌تواند حمله‌ای در مقیاس بزرگ را با هشدار کم یا بدون هشدار انجام دهد.

توانایی هند برای مقاومت در برابر حملات اتمی و حفظ توانایی پاسخ متقابل، به امنیت سیاست‌های زیرزمینی که برای انبار تسلیحات هسته‌ای این کشور استفاده می‌شوند، بستگی دارد. چین در حال حاضر توانایی نابودی این سایت‌ها را حتی با فرض اطلاع از مکان آنها-ندارد اما زمانی که زرادخانه این کشور به بیش از ۱۰۰ کلاهک برسد، این وضعیت می‌تواند تغییر کند؛ به‌خصوص اگر یکن دقت تسلیحات خود را بهبود بخشد. چنین تحولی، همراه با افزایش سطح آمادگی نیروهای هسته‌ای چین، می‌تواند زنگ خطر را در دهلی نو به‌صدارآورده و مقامات هندی را به این نتیجه برساند که چین ظرفیت سلساقت کردن زرادخانه تسلیحات هسته‌ای هند از حیز انتفاع را دارد. شاید چین دفاع هوایی و موشکی خود را تقویت کند؛ این امر هم برای هند اوضاع را مخطرآمیزتر کند؛ زیرا می‌تواند تهدید ناشی از هرگونه اقدام تلافی‌جویانه هسته‌ای هند را به حداقل برساند. به‌علاوه، دهلی نو باید بداند استفاده از بقایای زرادخانه خود برای گرفتن انتقام از چین، این کشور را در برابر باج‌گیری هسته‌ای پاکستان آسیب‌پذیر خواهد کرد. به زیان ساده، هند در معرض از دست دادن بازدارندگی هسته‌ای معتبر خود در برابر اجبار پاکستان قرار خواهد گرفت. تلیس به‌درستی اشاره می‌کند که دستیابی به این قابلیت‌ها از سوی چین حتمی نیست. بااین حال، در طول چند دهه فعالیت نظامی متعارف یکن، این کشور به‌دنبال تطبیق با همه‌قابلیت‌های مهم نظامی ایالات متحده، از جمله جنگنده‌های رادار گریز، مجموعه‌های ماهواره‌ای نظامی، ناوهای هواپیمابر و تسلیحات سایبری بوده است. به‌علاوه، تلیس به این نکته هم اشاره می‌کند که حتی اگر چین چنین مجموعه‌ای از قابلیت‌ها ایجاد کند، همچنان باید موقعیت انبارهای تسلیحات هسته‌ای دهلی نو را

بداند تا بتواند آنها را هدف قرار دهد؛ و درعین حال باید اطمینان بالایی داشته باشد که اطلاعات دقیق و جامع هستند. این عدم اطمینان می‌تواند یکن را مهار کند؛ اما درعین حال دهلی نو ممکن است نتواند صرفا با تکیه بر این حدس که انبارهای تسلیحات هسته‌ای آن از سوی یکن شناسایی نشده است یا اینکه رهبران چین نسبت به ریسک حمله به هند محتاط هستند، احساس راحتی کند.

دوراهی دهلی نو

هند چگونه می‌تواند به تحریکات هسته‌ای چین و پاکستان پاسخ دهد؟ تلیس معتقد است هند بدون گزینه‌نیست، اما هر مسیری مشکلات خاص خود را دارد. او در ابتدا نشان می‌دهد که اگر هند بخواهد می‌تواند با چین هم‌اورد یکسانی داشته باشد، اما به اعتقاد او دهلی نو همچنان بر راهبرد بازدارندگی حداقلی خود پایبند خواهد بود، زیرا هزینه‌ای که هند با پیروی از یکن در تلاش برای تطبیق با زرادخانه هسته‌ای آمریکا متحمل خواهد شد، بسیار زیاد خواهد بود. بااین حال تلیس معتقد است باید دارایی‌های زرادخانه هند گسترش یابد تا این کشور کلاهک‌های مورد نیاز برای وارد کردن خسارت عظیم به چین و پاکستان را داشته باشد. درعین حال روشن است که هم‌زمان با تقویت زرادخانه هسته‌ای هند، پاکستان نیز مطمئنا همین کار را انجام خواهد داد، به این ترتیب زنجیره واکنش منطقه‌ای در واکنش به گسترش هسته‌ای چین تکمیل خواهد شد. بااین حال حتی اگر هند این اقدامات را دنبال کند، باز هم با چالش‌های مهمی روبه‌رو خواهد بود. تهدید حمله پیشگیرانه از سوی چین ممکن است هند را وادار کند تا یک سامانه هشدار اولیه موثر ایجاد کند تا بتواند آسیب‌پذیری زرادخانه خود را با ارسال تسلیحات خود به دریا و شلیک انبوه موشک‌های زمینی خود، از سیلواطمینان کاهش دهد. دهلی‌نو همچنین یابد یک سامانه فرماندهی و کنترل جدید برای هدایت عملیات زیردریایی‌های هسته‌ای خود ایجاد کند. بااین حال درعین‌اینکه هند در حال ساخت زیردریایی‌های بالستیک هسته‌ای است، اما هنوز راه درازی برای ایجاد یک نیروی قابل توجه و غلبه بر موانع فناورانه لازم برای ایجاد یک بازدارندگی هسته‌ای قابل اعتماد در دریا دارد. تلیس خاطرنشان می‌کند که دهلی‌نو با مشکلاتی در زمینه طراحی راکتورهای هسته‌ای دریایی خود روبه‌رو است. مساله بعدی سلاح‌های هسته‌ای هند است. دهلی‌نو تنها تعداد انگشت‌شماری آزمایش هسته‌ای انجام داده است که برای تأیید طرح‌های هسته‌ای این کشور و اطمینان از تطابق این تسلیحات با طراحی خود، کافی نیستند. قابل اعتمادترین سلاح هسته‌ای هند ۱۲ کیلوتن قدرت دارد، درحالی‌که قدرت تسلیحات چین ۱۰۰ برابر بیشتر است. پرداختن به این کمبودها ممکن است هند را ملزم به ازسرگیری آزمایش‌ها کند و در نتیجه خطر مواجهه با تحریم‌های ایالات متحده وسایر کشورهای افزایش دهد. تلیس به‌راه‌حلی‌وسوسه‌انگیز برای مشکلات هند اشاره می‌کند. ایالات متحده می‌تواند یک طرحی قابل اعتماد از تسلیحات گرم‌هسته‌ای را در اختیار هند قرار دهد. پیمان امنیتی سه‌جانبه میان استرالیا، بریتانیا و ایالات متحده که به نام آکس شناخته می‌شود و مطابق آن آمریکا به استرالیا در زمینه دستیابی به زیردریایی‌های هسته‌ای کمک خواهد کرد، می‌تواند تا هندنیز گسترش یابد. آیا ممکن است آمریکایی‌ها طرح‌های را کتور هسته‌ای خود را با دهلی‌نو نیز به اشتراک بگذارند؟ بااین وجود برای اینکه این اتفاق بیفتد، هند که از زمان تولدش عملا فاصله خود را با آمریکا حفظ کرده است، باید درنهایت به دموکراسی‌های پیشرو منطقه هند-آرام‌نزدیک شود و رسماً استقلال راهبردی غیرمتعهدانه را که مدت‌ها است در قلب سیاست‌خارجی این کشور قرار دارد، کنار بزند.